

مشقاً همه با حوائز

۴ عدد کازت هدیه اعتباری سیمد هزار ریالی

فقط کیفیت گنجه صحیح وصول مطروحه در متی

واقفیتاً طریق دستوری عمل مطروحه به آفرین ما پارسک کنید

منشأ این همه حواس پرتی
در نماز کدام است؟

حب دنیا تا چه اندازه در
عدم حضور قلب در نماز
مؤثر است؟

چگونه می توان با حب
دنیا مبارزه کرد؟

و ...



مجلس شورای اسلامی ایران
معاونت فرهنگی و اجتماعی
معاونت امور فرهنگی و اطلاع رسانی

کسی که طالب او گردد، به از و طمع در اندازد و بر کسی که او را بستاند جامه ی ریا پوشانده و کسی که اراده ی آن کند، گرفتار عجب و خودبینی نماید و کسی که به او اعتماد کند غافل سازد و کسی که متاع های او را بپسندد نابود سازد و کسی که متاع های نبوی جمع کند و بخل بپوزد، به جایگاه و فرار گاهش که انش است روانه کند. رسول اکرم (ص) نیز فرمود: در شب معراج خدای تعالی فرمود: «ای احمد! اگر بنده ای نعلز اهل آسمان و زمین را بخواند و روزه ی اهل آسمان و زمین را بگیرد و چون ملائکه طعام نخورد و جامه ی عبادان را بپوشد ولی در قلب او فری از حب دنیا یا ریاست آن یا اشتیهای آن و یا زیست آن را بیند، مجازر من نخواهد شد و از قلب او محبت خود را بیرون می کشم و قلب او را تاریک می کنم تا مرا فراموش کند و به او شیرینی محبت خود را نمی چشاند» پر واضح است که محبت دنیا با محبت خدای تعالی جمع نشود و احادیث در این باب زیاد است. و حال که معلوم شد که حب دنیا مبدأ و منشأ تمام مفاسد است لذا بر انسان عاقل علاقتند به سعادت خود، لازم است این درخت را از دل ریشه کن کند و طریق علاج عملی این موضوع آن است که معامله به ضد کند یعنی اینکه اگر به مال و متاع علاقه دارد، با بسط بد و صدقات واجبه و مستحبیه، ریشه ی آن را از دل بکند و یکی از نکات صدقات همین کم شدن علاقه به دنیاست و به همین خاطر مستحب است که انسان چیزی را که دوست می دارد و مورد علاقه اش هست صدقه دهد چنانچه در قرآن کریم می فرماید: «خیر نیکیی (و احسان خدای) نمی رسد تا آنکه از آنچه دوست می دارید انفاق کنید» (آل عمران - ۹۲) و اگر علاقه به فخر و تقدم و ریاست دارد، اعمال ضد آن را انجام دهد و دماغ نفس اماره را به خاک بمالد تا اصلاح شود. انسان باید بداند که دنیا طوری است که هر چه آن را بیشتر تعقیب کند و هر صدد تحصیل آن بیشتر برآید، علاقه اش به آن بیشتر شود و نامشغول از فقدان آن روز افزون گردد. گوئی انسان، طالب هر چیزی است که به دست او نیست. گمان می کند طالب فلان حد از دنیاست، تا آن را ندارد آن را تعقیب می کند و در راه آن، تحمل مشقتهای زیادی را می کند و خود را به خطرات و مهالک می اندازد. همین که آن حد از دنیا را به دست آورد، برای او یک امر عادی می شود و عشق و علاقه اش منوجه چیزی بالاتر از آن می گردد و خود را برای تحصیل آن به زحمت و مشقت می اندازد و هیچگاه عشقش فرو نشیند بلکه هر دم روز افزون شود و زحمت و تعبش بیشتر گردد، و این وضعیت را هرگز و قطعی نیست.

مشقاً همه با حوائز
پان کتبات و دستورات: @shaykh_mirza_ghassem_al_musavi @shaykh_mirza_ghassem_al_musavi @shaykh_mirza_ghassem_al_musavi



انعام رضا علیه السلام:
هر کس معصومه (س) را در قوم زیارت کند، مانند کسی است که هزار زیارت کرده است.
امام صادق علیه السلام:
مثل دنیا مثل آب دریاست که هر چه انسان تشنه از آن بخورد، تشنه تر گردد تا او را بکشد.

کد ویژه نامه: ۹۴۳۶



خواننده گرامی

در ویژه نامه های قبلی (شماره های ۹۲۳۲ و ۹۲۳۱ و ۹۲۳۰) استغاثه از آثار بزرگان مطلقان در خصوص اهمیت حضور قلب در نماز، موانع حضور قلب و راه درمان هرزه گردی خیال مطالبی بیان کردیم. حال این ویژه نامه به ادامه این مبحث عنایت فرمایند.

ادامه مطالب راجع به راه درمان هرزه گردی خیالی:

پایبستن مخالف مطلق نیستند چرا که آن مخالف با نظام جهان هستی است. به هر حال، ما چون حسن احتیاج به دنیا داریم و آن را سرمایه ی حیات و پرورشه لذات دریافت می‌کنیم، در توجه به آن، حاضر و در تحصیل آن می‌کوشیم. اگر ایمان به حیات آخر پیدا کنیم و حسن احتیاج به زندگی اخروی پیدا کنیم و معادت را خصوصاً نماز را سرمایه ی عیش و نوش آن جهان و پرورشه سعادت آن نشده بدانیم، البته که در تحصیل آن کوشش خواهیم کرد و در این راه زحمت و رنج و تکلف در خود احساس نخواهیم نمود بلکه با کمال شور و اشتیاق، دنبال تحصیل آن خواهیم رفت. شرایط حصول و قبول آن را با جان و دل، تحصیل می‌کنیم.

سوال اول: منشا تمام مفاسد بشری در دنیا طبق بیان روایات کدام است؟

- ۱) حب دنیا
- ۲) ترک نماز
- ۳) ترک جهاد اخیری
- ۴) حب ذات

این سردی و سستی که در وجود ماست بخاطر سردی فروغ ایمان و سستی بنیاد آن است و گرنه اگر این همه اخیر انبیاء و اولیاء عظام الهی و برهان حکما و بزرگان در ما ایجاد احتمال کرده بود، باید بهتر از این، قیام به امر و کوشش در تحصیل کنیم، ولی جایی هزار گونه اشیا است که شیطان، بر باطن ما سلطنت پیدا کرده و قلب ما را تصرف نموده و نمی‌گذارد فرمایشات خدا و فرستاده های او به گوش ما برسد. اکنون گوش ما گوش خیالی دنیوی است و موعظه های حق، از حد ظاهر و از گوش حیوانی ما به باطن نمی‌رسد و به قول قرآن کریم در آیه ۳۶ سوره مبارکه ی: «در این تذکری است برای کسی که دلی آگاه داشته باشد یا با توجه کامل گوش (به گوش حق) بپردازد» از وظایف مهم سالک الهی الله و مجاهدی فی سبیل الله است که در خلال مجاهده و سلوکه از اعتقاد به نفس پلئی دست بگیرد

(۱) در برهال معارف دانشجوی نقل مشاهده است.

مثال: ۹۴۳۲۱۴ علی اربابی نساوستان زعیب

در ظاهر متوجه مسبب الاسباب (خداوند) و در باطن خود را متعلق به آن ذات پاک بدانم و از آن وجود مقدس استمداد طلبم و به دستگیری آن ذات اقدس استمداد نمایم و در خلویت و تضرع به درگاه حضرتش ببرد و اصلاح حالی را با کمال جدیت از خداوند بخواهم که جز ذات پاکش پناهگاهی وجود ندارد.

حب دنیا باعث لشتت خیال و مانع حضور قلب:

باید دانست که قلب انسانی به حسب فطرت به هر چه علاقه و محبت پیدا کند مقابله نوجوش جهان محبوب است که به آن علاقه مند شده است و چنانچه اشتغال به امری مانع از تفکر در حال محبوب و جمال مطلوبش نبوده مجرد آن که آن اشتغال کم شود و آن مانع مرتفع گردد فوراً قلبش به سوی محبوب خود پرواز می‌کند. اهل معرفت و صاحبان واقعی، در هر ایته ای جمال محبوب (خدا) و در هر موجودی کمال مطلوب (خدا) را مشاهده می‌نمایند، چنانکه حضرت علی(ع) در این رابطه می‌فرماید: «چیزی را ندیدم مگر آنکه خدا را در آن و با آن دیدم». اگر در حدیث نورلی دیگری از پیامبر(ص) داریم که: «کسی بر دلم غباری می‌نشیند و من هر روز هفتاد بار از خدا آمرزش می‌طلبم» برای آن است که انسان های کامل هرگز نمی‌خواهند جمال محبوب را در ایته آلوده به گرد و غبار جهل خرجند. که اندک هم باشد... و اگر قلب آنها قوی نباشد و اشتغال به کثرات مانع از حضور نبوده مجرد آن که آن اشتغال کم شود، پرده ی فلوج آنها به آینه فطرت خود پرواز کند و دست آویز جمال جمیل گردد و طایبان غیر حق، که در نظر اهل معرفت همه طالب دنیا هستند نیز هرچه که مطلوب آنهاست به همان متوجه و متعلقند. آنها نیز اگر در حب مطلوب خود حلقی باشند و حب دنیا قلوب آنها را فرا گرفته باشد هیچگاه از توجه به آن جدا نشوند و هر چه در عالم غیب با جمال محبوب خود بپرند و اگر حب دنیا قلوب آنها را فرا گیرد و در غایت خود به محبوب خود رجوع کنند، آنکس که سواد و علم او در این راه است، خود را به حب دنیا متعلق می‌داند و در بسیاری از موارد خود را به حب دنیا متعلق می‌داند. اشتغال به کثرات مانع از اشتغال به خود می‌گردد و چون وقت نماز و حالت فراشی می‌پایید فوراً متعلق به محبوب خود می‌شوید. تکبیر محرم کلید کرمگان یا مانع حجاب بین او و محبوب او است. یک وقت به خود می‌آید که سلام نماز را گفته

و در صورتی که هیچ توجه به آن نداشتن و همه اش را با فکر دنیا هم آغوش بوده است. اگر نماز ما بویی از عبودیت داشت، نمره اش خاکستری و تواضع و فروتنی بود، نه تعجب و خود فروشی و کبر و افتخار که هر یک برای خلالت و شقاوت انسان، مسبب مستقل و موجبی منفرد است. خلاصه اینکه، دل ما چون با حب دنیا آمیخته شده و مقصد و مقصودی جز ابدانی آن را ندارد، به ناچار این حب مانع از فراغت قلب و حضور آن در محضر قدس الهی شود و علاج این مرض مهلک و قاتل خاتمان سوز، با علم و عمل حاصل شود که ذیلاً اشاراتی به آن می‌نمایم: اولاً علم نافع این مرض، تفتقر در نماز و نتایج آن و مشاهده بین آنها و مضار و ممالک حاصله از آن است که در این رابطه کلام (عربی) می‌فرماید: «منشأ هر خطایی دوستی ندانستن» و روایات فراوانی فریب به این مضمون وجود دارد. همین حدیث برای توضیح مسائل کفایت می‌کند و با تقریبی نقل معلوم می‌شود که تمام مفاسد اخلاقی و کرداری از نتایج این شجره خبیثه است. هیچ دین و مذهب باطنی در عالم تاسیس نشده و هیچ نسندی در دنیا رخ نداده مگر به واسطه همین حب به دنیا انسان دارای این حب را از خبیث فضائل معنویه بر کنار است. شجاعت، عفت، سخاوت، عدلیت، که مبدأ تمام فضائل نفسانیه است با حب دنیا جمع نمی‌شود. حتی چیزی و حتی بینی، زمانه و آرامش نفس و سکونت خاطر و استراحت قلب که روح سعادت دنیا و آخرت است، با حب دنیا



سوال دوم: طبق بیان پیامبر(ص) خداوند در چه صورتی محبت خود را از قلب بندگ می‌خرد می‌سازد؟

- ۱) وقتی در نماز سهیل انگار باشد.
- ۲) زمانی که در فطرت دره ای از حب دنیا باشد.
- ۳) وقتی احسان به والدین را ترک کند.
- ۴) وقتی دچار خود بینی شود.

مجموع نشود. کمال قلب و بزرگواری و عزت نفس و حریت و آزادمردی از لوازم این باطنی به ندانستن چنانچه فقر و ذلت و طمع و حرص و رشوه چالاری از لوازم حب ندانستن امام صادق(ع) نیز در این رابطه می‌فرماید: «دنیا انسانی است که سر آن کبود چشم آن از، گوش آن اولع، زبان آن ریا و خود نمایی، دست آن شهوت، پای آن تعجب، قلب آن غفلت و می خوری، پوشش نیستی و نمره اش زوال است پس هر کسی او را دوست گیرد خودبینی به او دهد و هر که تنگوش بدارد، به او حرص و ولع آرزویی کند و